ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده بنیاد

الهام فتحی[1]، معصومه اسمعیلی[2]، کیومرث فرحبخش[3]، منیژه دانش‌پور [4]

Iranian Satisfied Marriage Model: A Qualitative Grounded Theory Study

Elham Fathi, Masoomeh Esmaeily, Kiumars Farahbakhsh, Manijeh Daneshpour.

تاریخ دریافت: 95/3/7 پذیرش اولیه: 95/5/17 پذیرش نهایی: 95/6/25

چکیده

از مهم ترین مولفه های سلامت جسمانی و روانی جامعه رضایت زن و شوهری است. هدف این پژوهش ارایه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی است. این پژوهش با شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند آزمودنیها انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری در نهایت20 نفر(10 زوج) دارای ازدواج رضایتمند مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفته و با استفاده از روش مقایسه ای مداوم استراوس و کوربین مورد تحلیل قرار گرفتند. حرکتی در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه به عنوان مقوله مرکزی و همسرگزینی متناسب مبتنی بر شناخت به عنوان شرایط علّی و شرایط میانجی در چهار سطح فردی، زوجی، خانوادگی، والدینی، طبقه بندی و ارائه شد. راهبرد های حل تعارض نیز به دودسته راهبردهای حل تعارض زوجی و خانوادگی تقسیم شد. در نهایت پیامد مقوله مرکزی که رضایت از زندگی است توضیح داده شد. رضایت زناشویی مفهومی بسته به فرهنگ است و به منظور درک این مفهوم باید به بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه شود.

واژه های کلیدی: ازدواج، رضایت زناشویی، فرهنگ ایرانی

Abstract

Marital satisfaction is an effective factor in physical and Psychological health of community. The purpose of this study was to present an Iranian satisfied marriage Model. This study was done with qualitative research and grounded theory method. Purposeful sampling was used to collect the data. Sampling continued until theoretical saturation was obtained. Totally 20 participants (10 couples) with high marital satisfaction were interviewed in semi structured and in-depth method and analyzed using the constant comparative method of Strauss and Corbin. Findings indicated that progress toward maintaining and validating relationship is the core category of the study. The causal condition of the study was congruent spouse selection based upon well knowing of each other. The intervening condition of the study was categorized and explained in four categories of personal, couples, families, and parental levels. The strategies couples used in conflicts between themselves and families were explained. Finally the outcome of the core category was marital satisfaction that is explained more in detail. Marital satisfaction is related to culture and therefore studies should be done in the context of the culture and society.

Keywords: Marriage, Marital satisfaction, Iranian culture

1. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی ، تهران، ایران.
2. (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی ، تهران، ایران.masesmaeily@yahoo.com
3. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی ، تهران، ایران.
4. استاد تمام گروه زوج درمانی و خانواده درمانی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه بین المللی الاینت ، ایالات متحده آمریکا.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

کیفیت رابطه‌ی زوج‌ها، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آتی کل خانواده و سلامت جسمانی و روانی اعضا روی آن بنا می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین ملاک تعیین‌کننده‌ی خانواده‌ی سالم، رضایت زوج از ازدواج است (گریف و ماهرب[5]،2001) رضایت از رابطه‌ی زوجی با سطوح بالای سلامت عمومی زن و شوهر و سایر اعضای خانواده همراه است(وایت و گالقر[6]،2000). در سراسر مسیر زندگی، زوجین با زمان‌های شادکامی و درعین‌حال زمان‌های سختی مواجه می‌شوند. در پاسخ به این زمان‌ها، برخی زوجین طلاق می‌گیرند درحالی‌که برخی دیگر باوجود سختی‌های پیش رو، رابطه‌ای شاد و رضایتمند را ایجاد می‌کنند (دونگ لی، 2008). اخیراً در جامعه علمی گرایشی پیداشده است که به‌جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق زوجین، بر روی ازدواج‌های رضایتمند تمرکز کرده است. تمرکز بر اینکه چه عواملی باعث رضایتمندی ازدواج‌ها می‌شود، باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد، که می‌تواند در امر ایجاد و کمک به افزایش ازدواج‌های رضایتمند در جامعه مؤثر است (نیمتز، 2011).

رضایتمندی زن‌وشوهری حالتی از خشنودی و رضایت در ازدواج است که از جنبه درون فردی تجارب ذهنی خوشایند و از جنبه میان فردی هماهنگی میان انتظارات یک طرف با رفتارهای طرف مقابل است که در زمینه‌های گوناگون چون سبک زندگی، ارتباط، رابطه جنسی، شرایط اقتصادی و نحوه تصمیم‌گیری وجود دارد (اسپانیر و لوئیس[7]،1980). رضایت زناشویی[8] از سازه‌های اساسی حفظ‌کننده بنیاد خانواده و عامل تکامل آن است. این سازه یک سازه زیربنایی هم در مطالعات بنیادی رابطه‌ای و هم در مطالعات درمانی درزمینهٔ خانواده محسوب می‌شود و برای ادامه زندگی مشترک یک عنصر حیاتی به شمار می‌رود (نصیری ده سرخی و موسوی، 1394).

رضایت زناشویی یک حالت ارزیابی ذهنی شخص از رابطه در ازدواج است (لی و فانگ[9]، 2011). از دهه 1930 دانشمندان در جستجوی تبیینی کلی از رضایتمندی زناشویی هستند و محققین قبلی دریافته‌اند که بسیاری از جنبه‌های رابطه می‌تواند رضایت کلی از ازدواج را متأثر سازد، از این جنبه‌ها می‌توان از مواردی نظیر ارتباط مؤثر، تعاملات مثبت، مدیریت تعارض، حل مسئله و صمیمیت نام برد (راگوف[10]، 2013).

مطالعات متعدد ویژگی‌های متفاوتی را به‌عنوان مؤلفه‌های مرتبط با رضایتمندی زناشویی مطرح کرده‌اند. روزن گراندون، مایرز و هاتی[11] (2004) در یک پژوهش به‌مرور مطالعات پیش‌بینی کننده‌های ویژگی‌های رضایتمندی زناشویی پرداختند، این پژوهشگران بیان کردند که وفاداری[12]، درک کردن، زندگی جنسی خوب، فرزندان، علایق مشترک[13]، مشارکت در کارهای خانه[14]، داشتن پول کافی و اشتراک در زمینه‌های مشابه[15] مهم‌ترین متغیرهای همبسته با رضایتمندی زناشویی است. مطالعات به‌وضوح نشان می‌دهد که برای ازدواج‌هایی که رضایتمند هستند زوجین نیاز دارند که از همراهی یکدیگر لذت ببرند، تلاش همدیگر را موردتقدیر قرار دهند و زمان‌هایی را که آن‌ها با یکدیگر بدون فشار از طرف همسر مشارکت می‌کنند، ارزش بدانند (چیونگ[16]، 2005). به‌طور خلاصه، همراهی عنصر مهمی در رضایت زناشویی است. در عصر حاضر جنبه‌هایی از همراهی که توسط خانواده و جامعه ارضا می‌شدند ازدست‌رفته‌اند؛ بنابراین زوجین مجبورند برای حفظ میزان قابل‌توجه ای از همراهی سخت تلاش کنند. زن و شوهر هر دو نیاز دارند احساس نمایند که دارای میزان قابل‌توجه ای از همراهی در رابطه هستند تا احساس رضایت نمایند (ساکایاما، 2003). به اعتقاد لی و فانگ (2011) عوامل

5. Greef & Malherbe
6. Waite, L. J. & Gallagher, M
7. Spanier,G and Lewise, R.A.
8. Marital satisfaction

9 Li, T., & Fung, H. H.
10 Rogoff, L.D.
11 Rosen-Grandon, Myers, and Hattie
12 faithfulness,
13 common interests
14 sharing household chores
15 sharing similar backgrounds
16 Cheung, M.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

درون شخصی[17] (شخصیت)، بین شخصی[18] (ارتباط و درک رفتار همسر) و محیطی[19] (حضور فرزند، رضایت زناشویی والدین، شرایط اقتصادی و سیاست‌های حکومتی[20]) متعددی وجود دارد که تعیین‌کننده رضایت زناشویی است. سطوح پایین رضایتمندی زناشویی می‌تواند برای رابطه آسیب‌زا باشد ازاین‌رو که ممکن است آشفتگی جسمانی را موجب شده و منجر به کاهش ارتباط، فقدان صمیمیت و طلاق گردد و همچنین سطوح پایین رضایتمندی با وقوع بالاتر افسردگی، اضطراب و اختلال سوءمصرف مواد مرتبط است (لی و فانگ، 2011).

فرض بر این است که رضایت تأثیر زیادی روی تعهد دارد. احتمال می‌رود اگر پاداش‌های ادراک‌شده یا نتایج مثبت حاصل از رابطه بالا باشد، افراد از رابطه‌شان راضی‌تر باشند. به نظر می‌رسد همسران در این صورت برآورده‌ی نیازهای بااهمیت یکدیگر باشند. رضایت بالاتر، عاملی است که تعهد نسبت به حفظ یک رابطه را افزایش می‌دهد (فری کر[21]، 2006). صاحب‌نظرانی نظیر برادبوری و کارنی[22] (2010)، گاتمن[23] (1999) و مایرز و همکاران[24] (2005) بیان نموده‌اند که ازدواج‌های سالم به بهزیستی جسمانی و روان‌شناختی، همیاری، پیوند بیشتر با جامعه بزرگ‌تر، ثبات اقتصادی و دیرپایی زندگی زن و شوهر کمک می‌کنند (به نقل از اداسومپرامیل، 2014).

تعریف خانواده و ازدواج از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت زیادی دارد. تعریف آمریکایی از خانواده بر خانواده هسته‌ای تمرکز دارد (مک گلدریک، جو و نایدیا[25]، 2005)، جایی که خانواده در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی ازجمله ایران کاملاً متفاوت است و ممکن است خانواده گسترده را نیز شامل شود و انواع متفاوت خانواده‌ای پذیرفته‌شده در فرهنگ غربی همچون هم‌جنس‌گرا وهم خانگی را نمی‌پذیرد. همچنین فرهنگ جمع‌گرا بر روی پیوند و وابستگی بین فردی تأکید دارد (دانش‌پور[26]، 1998)؛ بنابراین ما نمی‌توانیم نتایج مطالعات انجام‌شده در فرهنگ‌های غربی را به‌آسانی به فرهنگ‌های شرقی همچون ایران تعمیم بدهیم. اگرچه ازدواج مهم‌ترین بنیاد در بیشتر فرهنگ‌ها و کشورهای سرتاسر دنیا است، جوامع متفاوت در تعریفی که از ازدواج دارند و نحوه تشکیل ازدواج باهم متفاوت هستند. خانواده‌های اصلی در فرهنگ ایرانی برعکس خانواده‌های غربی نقش مهمی در فروپاشی یا رضایتمندی ازدواج‌ها بازی می‌کنند. پژوهش‌های انجام‌شده در فرهنگ ایرانی نشان‌دهنده این هستند که نظریه‌ها و پژوهش‌های مشاوره خانواده و ازدواج که در بافت فرهنگ فردگرا شکل‌گرفته‌اند بخشی از تجارب روی‌داده در ازدواج‌های ایرانی را توصیف نمی‌کنند. ازاین‌رو پژوهش درزمینهٔ ازدواج رضایتمند ایرانی و مؤلفه‌های آن و طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی مستخرج از یافته‌های پژوهشی در بافت فرهنگی ایرانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در پژوهش‌های متعدد انجام‌شده راجع به شکست رابطه زوجی در ایران، اطرافیان و خانواده‌های اصلی یکی از عواملی است که به‌عنوان تعیین‌کننده نارضایتی رابطه مشخص گردیده است(محسن زاده، نظری و عارفی ، 1390؛ صداقت و اسدیان، 1393؛ باریکانی، ساریخلو و محمدی،2012؛ قادر زاده، قادر زاده و حسن‌زاده، 1390). این در حالی است که نتایج جستجوهای پژوهشگران نشانگر این است که پژوهش‌ها در جوامع فردگرا نشان می‌دهد که خانواده‌های اصلی و اطرافیان نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و شکست رابطه ندارند و این‌یکی از مؤلفه‌های خاص فرهنگ جمع‌گرا همچون ایران است. با توجه به تفاوت‌های یافته‌های پژوهشگران به نظر می‌رسد نمی‌توان نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در فرهنگ غربی را به فرهنگ ایرانی تعمیم دهیم. همچنین اغلب تحقیقات مربوط به حیطه ازدواج که به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در رضایتمندی است از طریق روش‌های تحقیق کمّی انجام‌شده اند، که پژوهش‌های کیفی باید این مطالعات کمّی را تکمیل کنند تا حیطه‌های مربوط به ازدواج عمیق‌تر فهمیده شوند(ردیک[27]، 2014). جهت به

[17] intrapersonal
[18] interpersonal
[19] environmental
[20] governmental policies
[21] Fricker
[22] Karney, Bradbury
[23] Gottman
[24] Myers
[25] McGoldrick, Joe, and Nydia
[26] Daneshpour
[27] Reddick

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دست آوردن اطلاعات بومی در این زمینه باید از روش‌های مناسب و عمقی نگر کیفی استفاده شود. بدین‌جهت به‌منظور دستیابی به اطلاعات گسترده بومی از پژوهش کیفی و روش نظریه داده بنیاد استفاده می‌شود. این روش از تجربه‌های جهان واقعی به تعریف مفاهیم و ایجاد روابط علِّی حرکت می‌کند که این رهیافت اجازه می‌دهد دامنه وسیعی از داده‌ها تهیه شود. با توجه به آنچه گفته شد، هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های رضایتمند به‌منظور ارائه الگویی از ازدواج‌های رضایتمند در ایران است.

روش

به‌منظور بررسی تجارب عمیق زوجین ایرانی از روش تحقیق کیفی نظریه داده بنیاد استفاده‌شده است. در این روش، محقق علاقه‌مند به تولید نظریه، مدل و یا چارچوب مفهومی است؛ به‌خصوص زمانی که درزمینهٔ پدیده موردمطالعه اطلاع کافی وجود ندارد این رویکرد یک روش‌شناسی عمومی برای توسعه نظریه بر اساس گردآوری داده‌ها و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها بوده و در طول فرایند تحقیق ساخته‌وپرداخته می‌شود(استراس و کوربین[۲۸]،1990). با توجه به اینکه جستجوهای پژوهشگر نشان‌دهنده آن است که درزمینهٔ ازدواج‌های رضایتمند، مدلی تدوین‌شده مبتنی بر دانش بومی و بافتی یافت نشد و همچنین در نظر داشتن اینکه از بین روش‌های کیفی روشی که کمک می‌کند تا مدلی از داده‌ها استخراج گردد، روش نظریه داده بنیاد است، پس از میان تمام روش‌های کیفی از این رویکرد استفاده شد.

از نسخه سیستماتیک نظریه داده بنیاد در این تحقیق استفاده شد. درروش سیستماتیک استراس و کوربین، محقق از مدل پارادایمی استفاده می‌کند تا یک چارچوب نظری تولید کند. مدل پارادایمی در رویکرد استراس و کوربین، هر طبقه را با بررسی شرایط علّی(عواملی که منجر به وقوع پدیده می‌شوند)، شرایط میانجی(شرایطی که از طریق شرایط علّی بر پدیده موردنظر اثر می‌گذارند) و راهبردهای عمل/تعاملی(عمل یا تعاملات مشخص که از پدیده مرکزی نشات می‌گیرند)، پیامها(نتیجه پدیده که از طریق عمل و تعاملات درگیر هستند) بررسی می‌شوند (استراس و کوربین،1990).

شرکت‌کنندگان در تحقیق به‌صورت داوطلبانه و از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. از زوجینی که شرایط حضور در تحقیق را داشتند؛ یعنی زوج‌های ایرانی که 5 الی 15 سال طول مدت ازدواجشان بود و رضایت بالا و خیلی بالایی از زندگی‌شان داشتند و داوطلب شرکت در تحقیق بودند دعوت به عمل آمد که در مصاحبه تحقیق حضورداشته باشند. قبل از انجام پژوهش به‌منظور رعایت اصول اخلاقی از زوجها برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم ارائه شد. اطلاعات جمعیت شناختی هرکدام از شرکت‌کنندگان با ذکر نام مستعار آن‌ها آمده است.

پس از کسب اجازه مصاحبه‌ها به شکل عمیق و نیمه ساختاریافته و به‌صورت حضوری انجام شد. برخی سؤالات تحقیق عبارت‌اند از" نحوه آشنایی و میزان آشنایی‌تان چگونه بوده است؟"، "چه عواملی از دیدگاه شما منجر به رضایت در این زندگی بوده است؟ "، " چگونه تعارض‌هایتان را حل می‌کردید؟"

مفاهیم استخراج‌شده از اطلاعات محقق را به سمت شرکت‌کنندگان بعدی که می‌توانستند اطلاعات بیشتری در رابطه با مفاهیم در حال ظهور به وجود بیاورند هدایت نمود. انتخاب نمونه، جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات تا زمان اشباع نظری که محقق به اطمینان رسید که تم جدیدی ظهور نیافته و توصیف عمیق تجربه ادامه یافت که در مصاحبه 16 بود. به‌منظور اطمینان خاطر با 4 شرکت‌کننده دیگر نیز مصاحبه ادامه یافت. درمجموع با 20 شرکت‌کننده(10 زوج) این تحقیق انجام گرفت. مطابق با رویکرد نظام‌دار استروس و کوربین، طی فرایندی منظم و درعین‌حال مداوم از مقایسه داده‌ها، اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفتند. برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای، کدگذاری باز[۲۹]، کدگذاری

[28]. Strauss & Corbin

[29]. open coding

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

محوری[30]، و کدگذاری انتخابی استفاده شد(استراوس و کوربین،1990). فرایند کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها به اجرا درآمد. در ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌های ضبط‌شده به‌صورت متن درآمد. سپس متن‌های مصاحبه را محقق وارد نرم‌افزار NVIVO 10 نمود و مراحل کدگذاری و یادداشت‌برداری از Memo ها انجام شد. برای کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده و مفاهیم اصلی استخراج و به‌صورت کد ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری طبقات به طبقات محوری خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شد. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند باهم مقایسه و آن‌هایی که باهم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند. درنهایت در کدگذاری انتخابی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شد. و یک مقوله به‌عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد و بر محور مقوله مرکزی مدل موردنظر طراحی شد(استراوس و کوربین، 1990).

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد یافته‌ها از سه فن مرسوم زیر استفاده شد(سیلورمن[31]، 2005): 1- کنترل واعتباریابی توسط اعضا: در این قسمت از شرکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند.2- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. 3- استفاده از فن ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه نظریه داده بنیاد بر مراحل مختلف کدگذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

یافته‌ها

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه پژوهش حاضر در جدول 1 ارائه‌شده است.

جدول 1- اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

نام مستعار	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزند	تحصیلات	شغل
شایسته	26	5	0	لیسانس	دفتر بیمه
رضا	29			لیسانس	آزاد
لیدا	36	13	1	دیپلم	کارمند
محمد	36			دیپلم	کارمند
پریناز	31	11	1	دکتری	دامپزشک
آرش	33			دکتری	دامپزشک
اکرم	31	12	2	دیپلم	خانه‌دار
حسن	40			زیر دیپلم	آزاد
زینب	40	15	2	لیسانس	معلم
تقی	44			لیسانس	معلم
زهرا	32	10	2	لیسانس	خانه‌دار
جعفر	37			لیسانس	معلم
رویا	36	12	2	فوق‌لیسانس	کارمند
شهاب	41			لیسانس	کارمند
نسیم	31	5	0	لیسانس	کارمند
سعید	25			لیسانس	آزاد
صبا	37	12	0	فوق‌دیپلم	مربی ورزشی
حامد	36			دیپلم	کارمند
هانیه	26	6	1	لیسانس	خانه‌دار
بهداد	27			لیسانس	آزاد

همان‌طور که در جدول 1 آمده است در نمونه پژوهش حاضر میانگین سن زنان 32.6 سال و میانگین سن مردان 34.8 بود. متوسط مدت ازدواج زوجین ۱۰ سال است. همچنین 3 زوج فاقد فرزند، 3 زوج دارای 1 فرزند و 4 زوج دارای 2 فرزند بودند. از بین زنان 1 نفر دارای تحصیلات دکتری، 1 نفر فوق‌لیسانس، 5 نفر لیسانس، 1نفر فوق‌دیپلم و 2 نفر

[30]. axial coding
[31]. Silverman

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دیپلم بودند و از بین مردان 1 نفر دکتری، 1 نفر فوق‌لیسانس، 5 نفر لیسانس، 2 نفر دیپلم و 1 نفر زیر دیپلم بودند.

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته کدهای باز، محوری و انتخابی تعیین شدند که در جدول 2 آمده است. همچنین حرکتی در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه به‌عنوان مقوله مرکزی در این تحقیق انتخاب شد.

همان‌طور که در قسمت روش‌شناسی تحقیق بیان شد، در رویکرد نظریه داده بنیاد استراوس و کوربین به‌منظور ارائه مدل پارادایمی به ارائه شرایط علّی، میانجی ، راهبردها و پیامد تحقیق می‌پردازیم. شرایط علّی در این تحقیق همسرگزینی متناسب مبتنی بر شناخت است. شرایط میانجی عبارت بودند از: 1- ویژگی‌های شخصی کارآمد2- باورهای کارآمد3-سیستم زوجی کارآمد4- سیستم زوج- خانواده کارآمد 5- سیستم والدینی کارآمد. راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده‌ها به دو دسته تقسیم شدند 1-راهبردهای زوجی کارآمد و 2-راهبردهای خانوادگی کارآمد و پیامد نهایی عبارت بود از رضایت از زندگی. تمام این عوامل در شکل 1 تحت عنوان مدل پارادایمی "حرکتی در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه" نشان داده شده است. هرکدام از کدهای محوری مرتبط با این مدل به همراه یک مصداق از هر یک در زیر آورده شده است. لازم است یادآوری شود که برای اینکه هویت شرکت‌کنندگان در پژوهش فاش نشود مصداق‌های ذکرشده با نام واقعی افراد نیامده بلکه نام مستعار جایگزین شده است.

همسرگزینی متناسب مبتنی بر شناخت: اغلب زوجین با توجه به شناخت کافی‌ای که از یکدیگر به دست آورده بودند، فردی را متناسب با خود برای ازدواج برگزیدند. این مقوله شامل کدهای محوری *شناخت کافی پیش از ازدواج*، *وجود جذابیت اولیه* و *هم مسیر بودن* است.

شناخت کافی پیش از ازدواج: زوج‌های شرکت‌کننده در تحقیق بیان نمودند که قبل از ازدواج به شناخت کافی از یکدیگر رسیدند به شکلی که اغلب معتقد بودند شناختی که اکنون بعد از سال‌ها زندگی به‌دست‌آمده است نزدیک به شناخت اولیه است. شناخت از طرق مختلفی در میان زوجین حاصل شد مانند خویشاوندی، همکار بودن، همکلاسی بودن در دانشگاه، همسایه بودن و گذراندن دوره آشنایی قبل از ازدواج. این شناخت به علت شفاف‌سازی‌های قبل از ازدواج و بیان اصول مهم برای یکدیگر صداقت در معرفی خود حاصل شد. *تقی:" ما می‌شناختیم دیگه همدیگه رو، چون ما مادرامون با همدیگه یه فامیلی‌ای داشتن ، به همین خاطر همدیگر رو می‌شناختیم بعد برادر ایشون و بنده دوست بودیم با همدیگر در دوران دانش‌آموزی، مثلاً 4 سال دبیرستان رو باهم بودیم بعد تربیت‌معلم رو باهم رفتیم ایشون یه رشته‌ی دیگه رفتن منم یه رشته‌ی دیگه رفتم، از طرفی همکار هم بودیم تو کانون باهم کار می‌کردیم." شناخت کافی پیش از ازدواج زوجین را در راستای انتخاب اصلح هدایت نمود.*

وجود جذابیت اولیه: اغلب زوجین بیان نمودند که در ابتدای آشنایی برای یکدیگر جذابیت ظاهری و شخصیتی داشتند. حامد: *"من تقریباً هفده، هجده سال پیش بود که خانمم رو دیدم، تو سبزه‌میدان با دختردایی شون باهم بودن وایساده بودن که سوار تاکسی شن، من یه لحظه ایشون رو دیدم و ازشون خوشم اومد."* درنتیجه این جذابیت اولیه به‌عنوان یکی از مقوله‌های همسرگزینی مبتنی بر شناخت، زوجین را برای یک شروع مناسب آماده نمود.

هم مسیر بودن: زوجین رضایتمند بیان نمودند که با یکدیگر در مورد عقاید، اهداف، علایق، تفریحات، ارزش‌ها، هم مسیر هستند. *شهاب: " ببینید ما روحیات یکسانی داریم مثلاً دوتامون هم اهل چیزای مجازی نیستیم، زیاد اهل تلگرام و اینستاگرام و اینا نیستیم، نمیگم نداریم، داریم ولی زیاد اهلش نیستیم، روحیه ورزشی داریم دوتامون، بله میگم چون روحیاتمون یکسان خیلی خوبِ مثلاً من دوست دارم والیبال بازی کنم اعظم هم دوست داره مثلاً دوچرخه‌سواری رو دوست داریم.."هم مسیر بودن زوجین درزمینهٔ های عقاید، اهداف،علایق، تفریحات و ارزش‌ها به این زوجین کمک نمود که در آینده کمتر دچار تعارض شوند.*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شرایط میانجی در این تحقیق در 4 سطح(فردی، زوجی، خانوادگی، والدینی) طبقه‌بندی شد. سطح فردی شامل ویژگی‌های شخصی کارآمد، باورهای کارآمد و یادگیری از تجارب، سطح زوجی شامل حفظ شادابی رابطه، رشد همسر و خود، مدیریت مالی، تصمیم‌گیری کارآمد، ایفای نقش کارآمد، تلاش هدفمند برای بهبود رابطه، تقابل مثبت، عشق‌ورزی، اطمینان بخشی و سطح خانوادگی شامل حریم سازی، احترام به والدین، حمایت خانواده اصلی و زوجین از یکدیگر و سطح والدینی شامل فرزند عامل بهبود رابطه و تلاش برای تربیت صحیح فرزند، است

ویژگی‌های شخصی کارآمد: شرکت‌کنندگان در این تحقیق برخی ویژگی‌های شخصی را در حفظ و ارزنده سازی رابطه‌شان مؤثر و کارآمد می‌دانستند که این ویژگی‌ها عبارت بودند از: صداقت، انعطاف‌پذیری، مهربانی و دلسوزی، مسئولیت‌پذیری و منطقی بودن. جعفر: *" والا تو زندگی علاوه بر اون چارچوب من صداقت رو خیلی مهم می‌دونم خیلی چیزا هست که خیلی مردا فکر می‌کنن شاید زنشون متوجه نشه اما خب توی یه جمع فامیلی و دوستانه مثلاً من یه مطلبی رو از زنم پنهان کردم این مطرح میشه خب این اعتمادی که بین زن و مرد هست دیگه از بین میره.....من از روزی که خواستم زندگیم رو شروع کنم بهش گفتم، گفتم ببین هر موقع که فکر کردی یه چیزی توی ذهنت هست اول از خودم بپرس اگر از من جواب درست نشنیدی برو از بقیه بپرس چون همیشه اون چیزی که بقیه میگن برداشت خودشون رو میگن دیگه اونی که واقعاً اتفاق افتاده من میدونم برای همین هم تا الآن چیزی اتفاق نیفتاده، کلاً توی زندگی آدم باید یکدل باشه."*تأکید زوجین بر ویژگی‌های صداقت، انعطاف‌پذیری، مهربانی و دلسوزی، مسئولیت‌پذیری و منطقی بودن نشانگر این حقیقت بود که برخی از ویژگی‌های شخصیتی از قبیل موارد ذکرشده در جهت موفقیت ازدواج می‌توانند مؤثر باشند.

باورهای ارتباطی کارآمد : زوجین دارای برخی باورهای مربوط به رابطه‌شان بودند که روی بهبود رابطه تأثیر داشت. این باورها عبارت‌اند از: 1- هیچ انسانی کامل نیست 2- حفظ و ارتقاء رابطه مهم‌ترین است 3- عقاید خود را نباید به دیگران تحمیل کرد. *تقی:" من اعتقاد دارم که هیچ‌کس کامل نیست ایشون کامل نیست ایشون ویژگی‌های مثبتش بسیار بسیار بالاترِ بنده هم خب به‌اصطلاح ضعف‌هایی دارم که ولی ویژگی‌های مثبتم قطعاً نزد ایشون می چربه که ایشون با من زندگی می‌کنه دیگه ایشون هم ویژگی‌های مثبتش می‌چربه."* ازجمله عواملی که در سطح فردی بر آینده رابطه زوجین مؤثر است برخی باورهاست که زوجین را برای تعاملی در راستای حفظ و ارتقای رابطه آماده می‌سازد.

یادگیری از تجارب: *زوجین راضی بیان نمودند که در زندگی تلاش کرده‌اند ویژگی‌های مثبت والدین خود را تکرار کرده و رفتارهای اشتباه والدین و اطرافیان خود را انجام ندهد. همچنین در رابطه زوجی خود وقتی رفتاری را اشتباه انجام می‌دهند، سعی در عدم تکرار آن دارند. بهداد:" وقتی باهم دعوا می‌کنیم فکر می‌کنیم چه اشتباه‌هایی انجام دادم دفعه بعد سعی می‌کنم تکرارشون نکنم."* با توجه به تجربه زوجین، عدم تکرار خطاها و یادگیری از گذشته منجر به کاهش تعاملات منفی گردید.

سیستم زوجی کارآمد : این سیستم موفق به استفاده از راهبردهای زیر در حفظ و ارزنده سازی رابطه است:

1- حفظ شادابی رابطه (تفریح رفتن، شوخی کردن باهم، بازی باهم). *شایسته:" اکثراً هم با همدیگه زیاد بیرون میریم، از وقتی ازدواج کردیم تا حالا فکر نمی‌کنم یک روز هم بوده باشِ که ما عصر بیرون نرفته باشیم، حتماً عصرا باهم بیرون میریم...خیلی وقتا تو خونه باهم بازی می‌کنیم..."* تأمین نشاط رابطه بخش مهمی از یک سیستم زوجی موفق بود که با افزایش شادابی رابطه، سهمی را در ارزنده سازی و حفظ رابطه داشت

2-رشد همسر و خود (تشویق همسر به رشد، تلاش برای رشد خود از طریق ارتقاء تحصیلات و مطالعه، استقبال از رشد همسر) .*شهاب:" مثلاً اون موقع که ما ازدواج کردیم من لیسانس بودم همسرم دیپلم، دوست نداشتم خانمم از من پایین‌تر باشه مثلاً من لیسانس باشم و اون دیپلم باشه یا رانندگی بلد نباشه، کمک اش کردم الآن فوق‌لیسانس می خونه، و خودم بهش رانندگی یاد دادم."*رویکرد رشدی زوجین ، تصور خوشایند و شکوفا کننده‌ای را از ازدواج و رابطه برای زوجین فراهم نمود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

3- مدیریت مالی(تلاش برای تأمین مالی خانواده، قناعت مالی، توقعات مالی مبتنی بر توانایی همسر، ما بودن در امور مالی) جعفر:" *من همیشه خدا رو شکر می‌کنم ایشون کم‌توقع‌ترین فک کنم آدم تو فامیل ماست الآن تو پایین‌ترین محله می‌شینیم بااینکه خودمون از خانواده‌های کمی نیستیم اما کاری که از دست من بر می‌اومد یه خونه اونجا می تونستم بگیرم که گرفتم یه مدت اونجا می-شینیم."* زوجین شرکت‌کننده در این تحقیق با مدیریت مالی موفق ستون مهمی از ازدواج را با یاری یکدیگر قوت بخشیدند.

4- تصمیم‌گیری کارآمد(تصمیم‌گیری منطقی و مشترک، واگذاری نقش مؤثرتر در تصمیم‌گیری به فرد اصلح) شایسته:" *اکثراً باهم تصمیم می‌گیریم ولی یه موقع هایی خب اگر تصمیم اختصاصی باشه مثلاً من دخالت نمی‌کنم، مثلاً تو زمینه کارش باشه من حرف نمی‌زنم یا مثلاً کادو چی بخریم روز مادر و پدر و این‌جور چیزا اکثراً من تصمیم می‌گیرم هادی کاره‌ای نیست ولی چیزای مشترک رو باهم تصمیم می‌گیریم."* زوجین راضی در تصمیم‌گیری خودمحورانه عمل نکرده و با یکدیگر و با مدد منطق سهیم می‌شدند و گاهی تصمیم‌گیری را به فرد اصلح و مطلع‌تر واگذار می‌نمودند. و از این طریق در تصمیم‌های زندگی توقف نداشته و قدرت حل بالایی داشتند.

5- ایفای نقش کارآمد(انعطاف‌پذیری در نقش، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقش‌ها)سعید:" *کارا رو باهم انجام می‌دیم، هر کی که از دستش بر بیاد انجام می‌ده مثلاً خرید خونه رو من اگر بیرون باشم من انجام می‌دم اگر هم کار داشته باشم خانمم انجام می‌ده مثلاً اگر سنگین باشه نتونه بیاره باز من انجام می‌دم."* نگاه همراه با انعطاف‌پذیری به نقش‌ها و آن را به شکل وظیفه برای همسر ندیدن و کمک به همسر در ایفای این نقش‌ها توانست منجر به کاهش تنش ناشی از فشار نقش‌ها و فرصتی برای تقویت رابطه گردد.

6- تلاش هدفمند برای بهبود رابطه(تغییر خود برای بهبود رابطه، بازخورد مثبت به یکدیگر، تلاش برای تأمین خواسته‌های همسر، تلاش برای خوشحال کردن همسر)رؤیا:" *ما هرچند مسافرت که باهم میریم اکثراً پدر و مادر شوهرم رو با خودمون می‌بریم چون‌که می‌دونم دوست داره که اونا الآن پیش ما باشن و اینکه فکرش پیش اونا نباشه"*

7- تقابل مثبت(جبران محبت همسر) : زوجین رضایتمند بیان کردند که در مقابل خوبی یکدیگر سعی بر خوبی و جبران محبت دارند. شهاب:" خانم من خیلی به مادرم محبت کرده، به خاطر این‌همه گذشتی که داشته، منم همیشه سعی کردم رضایت شو جلب کنم به خاطر همین هم بعد از 12 سال زندگی‌مون از اولش هم بهترِ..."

8- عشق‌ورزی: منظور از عشق‌ورزی در این تحقیق ،دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، مراقبت از عشق(اولویت دادن به عشق، احیاء عشق)، صمیمت، رابطه جنسی رضایت‌بخش است. رؤیا:" *خیلی جمله‌های دوست داشتن رو زیاد میگیم که دوستت دارم."* عشق‌ورزی به‌عنوان بخش مهمی از ارتباط در زندگی زوجین مؤثر بود.

9- ارتباط مؤثر: زوجین راضی با گفتگوی لذت‌بخش، همدلی، سرزنش و تحقیر نکردن، گفتگوی منطقی، بیان انتظارات و ناراحتی‌ها از هم، گوش دادن به یکدیگر، گفتگو در مورد اتفاقات روز به هنگام دیدن همدیگر، ارتباط موفقی را تجربه می‌کردند. جعفر:"همون موقعی که رسیدم میگم خانوم چه خبر کی اومده کی رفته، و اون هم شروع می‌کنم از تلفن گرفته تا این‌که دخترا چیکارکردن رو به من میگه بعد میگه توی مدرسه چه خبر. " پس می‌توان گفت ارتباط مؤثر عاملی کلیدی در سیستم زناشویی موفق است.

10- اطمینان بخشی (وفاداری، اعتماد متقابل): شایسته:" *من به همسرم خیلی مطمئن هستم، این‌طوری هم نیست که چشم‌بسته بهش اعتماد داشته باشم، واقعیتش همیشه حواسم بخش بوده و دیگه اعتماد کامل من رو جلب کرده.*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

"ارتباط همراه با اطمینان و اعتماد، احساس رضایت را از یک سیستم زوجی موفق ایجاد نمود.

سیستم زوج-خانواده کارآمد: زوجین و خانواده‌ها : مؤلفه‌های این سیستم عبارت هستند از :

1- حریم سازی زوجین با خانواده‌ها: زوجین رضایتمند با حفظ حریم و ابراز نکردن مشکلات به خانواده‌ها تجربه رابطه موفقی را داشتند: *زینب:" اصلاً مسائل رو به مامان ام-اینا نمی‌گم! دوست ندارم براشون یه دغدغه‌ای بشه، چون ممکنه برای ما حل بشه ولی واسه اونا همین‌جور بمونه."*حفظ حریم، موجب گردید ارتباط زوجین با خانواده‌ها در فضایی سالم و عاری از دخالت صورت گیرد.

2- حمایت خانواده‌ها از زوجین: زوجین رضایتمند بیان کردند که از حمایت خانواده‌ها درزمینهٔ های مالی، عاطفی، امور منزل و فرزند پروری بهره‌مند بودند: *رؤیا:" هم پدرشوهرم هم مادر شوهرم خیلی کمک می‌کنم تو زندگی به هم مخصوصاً ازلحاظ بچه‌داری و اینا مخصوصاً که من پسر کوچکم چهار سالش اون یکی پسرم کلاس پنجم خلاصه اینکه ناهارشان رو صبحانه شون رو آماده می‌کنن و با همون پیری کمک بزرگی برای ما هستن"*. استفاده از حمایت خانواده‌ها زوجین را در ارتباط با فشارهای مالی، عاطفی و امور مربوط به فرزند کمک نمود.

3- حمایت زوجین از خانواده‌ها: زوجین رضایتمند بیان کردند که آن‌ها نیز گاهی به خانواده‌های مبدأشان در ابعاد مالی و عاطفی کمک می‌نمودند.*پریناز:" ازلحاظ مالی هم ما خیلی به خانواده هامون کمک می‌کنیم."*این کمک‌ها به‌صورت غیرمستقیم به تحکیم رابطه زوجین کمک نمود.

سیستم والدینی کارآمد: در این سیستم فرزند عامل مثبتی در بهبود رابطه است که منجر به افزایش احساس مسئولیت، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده‌ها، کاهش دعوا، هدفمند شدن زندگی می‌شود. از طرفی والدین هم در مقابل تربیت فرزند احساس مسئولیت می‌کنند. *هانیه: "اینکه فرزندمون به ما نیاز داره و ما تنها برطرف‌کننده نیاز اون هستیم، این‌که ما باهم خوب باشیم خیلی برام مهمِ، مثلاً یه موقع که عصبانی میشم و دادوبیداد می‌کنم این‌جوری من رو نگاه می‌کنم گریه می‌کنه اصلاً حالم بد میشِ میگم این چه‌کاری من دارم می‌کنم، اصلاً هر چی هست دیگه برام مهم نیست، حتماً می خوام که اون آروم باشه، همسرم هم این‌جوری، مثلاً اگر قبلاً یک ساعت بعد کوتاه میومد الآن سر سه دقیقه کوتاه میاد یعنی حاضر همون جا تموم شه؛ خیلی دوست دارم تو آرامش باشه ، همین‌که یه چیز مشترک دیگه، ما تا الآن فصل مشترکمون یه عقد شناسنامه‌ای بوده....ما همچنان با خانواده هامون مشکل‌داریم ولی من حتی نسبت به بابای همسرم هم حس دیگه ای دارم، یعنی اگر تا الآن هم همین‌جوری معمولی بودم الآن احساس می‌کنم اون بابابزرگ اینِ دیگه، با اون هم احساس می‌کنم فصل مشترک دارم یعنی یه جورایی یه پیوند عجیب‌وغریبی زده بین ما."*

ورود زوجین به مرحله والدینی ، سیستم والدینی را به سیستم زناشویی اضافه کرده و این زوجین با استفاده

راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین: در مواقعی که زوجین با یکدیگر دچار تعارض می‌شدند از راهبردهای متفاوت در شرایط متفاوت استفاده کرده‌اند، گاهی از منبع تنش فاصله گرفته، گاهی با اذعان به اشتباهات خود عذرخواهی کرده و درصدد جبران برمی‌آیند و گاهی نیز خود و همسرشان را با امیدوار کردن، آرام نمودن، شوخی کردن و توجه به ویژگی‌های مثبت همسر تسکین می‌دهند. گاهی نیز با پذیرش نقص‌ها و تفاوت‌های همسر، بزرگ نکردن مسائل و کوتاه آمدن از خواسته‌ها خود را با شرایط وفق می‌دهند.

1- تنظیم فاصله(نرفتن به مکان‌های تنش‌زا، درگیر زندگی گذشته همسر نشدن، قطع رابطه با افرادی که سیستم زوجی را به خطر می‌اندازند) *صبا: " ایشون خیلی رفیق‌باز و جوونی و اینا بودن من خیلی صبر کردم و حمایتش کردم شاید اگر اینارو ادامه می‌داد معتاد می‌شد دوستاش خیلی بد بودن خداروشکر کنارشون گذاشت."*

2- جبران(تائید اشتباه، عذرخواهی، جبران خطا) :هانیه:" *نه، من یه ایرادی که دارم وقتی عصبانی میشم دقیقاً نقطه‌ی مقابل همسرمم و خیلی قاتی می‌کنم بعد خودمم پشیمون میشم در 95 درصد موارد هم خودم پا پیش می‌زارم مثلاً قهر زیاد نمی‌کنیم ولی به‌هرحال اون دلخوری هارو خودم برطرف می‌کنم*"

3- تسکین بخشی(امیدوار کردن همسر، آرام کردن همسر، استفاده از شوخی، توجه به ویژگی‌های مثبت همسر)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

محمد:" من اینارو می‌گفتم اما اصلاً سرد نمی‌شدم، مثلاً بعضی موقع‌ها می‌گفتم چرا این‌جوری می‌کنی، می‌گفت نمی‌دو نم چی می خواد بشه کِی می‌خوایم خونه بخریم، هی بعضی موقع ها کارایی می‌کرد که من ناراحت می‌شدم ولی من هیچ‌وقت دست از توسل و توکل برنداشتم می‌گفتم ایشالا درست میشِ خدا این‌جوری گفته نگران نباش همه چی درست میشِ"

4- سازگاری و انطباق(پذیرش نواقص و تفاوت‌ها، بزرگ نکردن مسائل، کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها). *زهرا: " به‌جز موارد اعتقادی من تو خیلی از موارد کوتاه میام. مثلاً میدانید بعضی از خانوما حساسن که اول باید بریم خونه ی مامان من‌بعد مامان تو، اول عیدی مامانمو ببریم، من اصلاً تو این زمینه حساس نیستم،کوتاه میام..."*

5- استفاده از منابع حمایتی(کمک خواهی از خدا ، کمک خواهی از متخصص، مطالعه منابع مفید(کتاب، اینترنت)) *هانیه: " ابتدای رابطه‌مون تو رابطه جنسی مشکل داشتیم،اره یه کتابی بود آنچه درباره مردان باید بدانیم، تو اون خیلی نوشته بود، خیلی کمک کرد..."*

تعارض در هر رابطه‌ای ، بالأخص روابط صمیمی اجتناب‌ناپذیر است. زوجین رضایتمند با راهبردهای موفقی که در پیش گرفتند، موفق به حل این تعارض‌ها و بهبود کیفیت رابطه و حفظ و ارزنده سازی آن شدند.

راهبردهای کارآمد حل تعارض میان زوجین و خانواده‌های اصلی: زوجین رضایتمند با در نظر گرفتن اولویت سیستم زوجی از برخی راهبردها برای حل تعارض میان خود و خانواده‌ها استفاده نمودند که عبارت‌اند از:

1- برخورد منطقی و بدون سوگیری در مورد خانواده‌ها : *لیدا:" ایشون سریع فهمید که من احتیاج دارم که باهاش حرف بزنم، تنها حرفی که از دهنم خارج شد این بود که من متأسفم و زدم زیر گریه، گریه من انقدر ناراحتش کرده بود می‌گفت گریه شما دنیایی از کلام بود، تو مقصر نیستی برادر من هم تو شرایط سخت ازنظر روحیِ اون نباید با تو اون برخورد رو می‌کرد خودش هم بعداً پشیمون شد، به نظرم اونجا می تونست خیلی راحت توجیه کنه و بگه برادر من کاری نکرده که، من رو دید گفت می‌دونم که الآن خیلی ناراحتی انقدر ناراحت بود فقط سرش رو انداخت پایین گفت من نمی‌دونم چی بگم الآن نمیتونم چیزی بگم، فقط الآن خیلی درکت می‌کنم مطمئناً اشتباه شده"*

2- پذیرش نواقص خانواده همسر : پریناز:*" به‌هرحال هر خانواده‌ای مشکلاتی داره، باید پذیرفت..."*

3- حمایت از همسر در مقابل خانواده: زمانی که خانواده‌ها با یکی از زوجین رفتار منصفانه نداشته و یا وارد منظومه زوجی می‌شدند، حمایت از منظومه زوجی انجام می‌شد. *صبا:" من‌بعد از ازدواج رفتم دانشگاه بعد مادر شوهرم گفت بله دیگه خونه خودشون درس نمی‌خونن، شوهرم گفت خودم گفتم تا دکترا هم می‌خواد بره خیلی حمایتم می‌کرد، از هر لحاظ، ازلحاظ ورزشی، درسی..."*

4- تنظیم فاصله با توجه به شرایط. زوجین در شرایط متفاوت گاهی فضای بین خود و خانواده‌ها را تنظیم می‌کردند تا منظومه زوجی آسیب نبیند. حامد:" ما با خانواده خانمم اصلاً مشکل نداشتیم، بیشتر با خانواده من مشکل داشتیم، روابط رو که کمتر کردیم بهتر شد."

5- رفع مسائل با خانواده خود: زوجین رضایتمند بیشتر تلاش می‌کردند که تعارض‌ها را خود با خانواده‌شان حل کنند و عروس و یا داماد وارد نشود. *آرش:" پدر و مادر در فرهنگ سنتی میگن چون تو پسری باید هر کاری که تو میگی انجام بشه این نگاه بدیه من اصلاً این دید رو ندارم که چون من پسرم بنابراین فلان ولی خانواده اولش این بود که چرا این‌طور شد چرا این‌جور شد ولی من زیاد اهمیتی نمی‌دادم و خودم هم مقابل خانواده می‌ایستادم، هیچ‌وقت اجازه نمی‌دادم که مثلاً خانمم در مقابل خانواده من بایسته هر چی که بود من خودم حلش کردم..."*

6- رفع سوء تفاهمات در مورد خانواده‌ها: شرکت‌کنندگان بیان می‌کردند که به‌اندازه همسرشان خانواده‌اش را نمی‌شناسند، در مواقعی از همسر می‌خواستند که سوء تفاهمات را رفع کند. *لیدا:" وقتی از خانواده‌ها ناراحت می-*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شیم باهم صحبت می‌کنیم، شاید اشتباه متوجه شده باشیم...مثلاً اگه از خواهر من ناراحت شده باش، می گم این‌جوری شده توضیح می‌دم رفع می‌شه." با توجه به اهمیت خانواده در جامعه ایرانی، راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است و تجارب زوجین موفق در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

رضایت از زندگی: این مؤلفه که شامل احساس رضایت از خود، همسر، فرزند است به‌عنوان نتیجه پدیده حرکت در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه بیان شد. *زینب: " خداروشکر خیلی از زندگی‌ام راضی هستم از بچه هام از همسرم..."* نتیجه نهایی انتخاب همسر متناسب مبتنی بر شناخت، کارکرد مناسب در سطح فردی، زوجی، خانوادگی و والدینی و استفاده از راهبردهای مؤثر، پیامد رضایت از خود، همسر و فرزند را برای زوجین به ارمغان آورد.

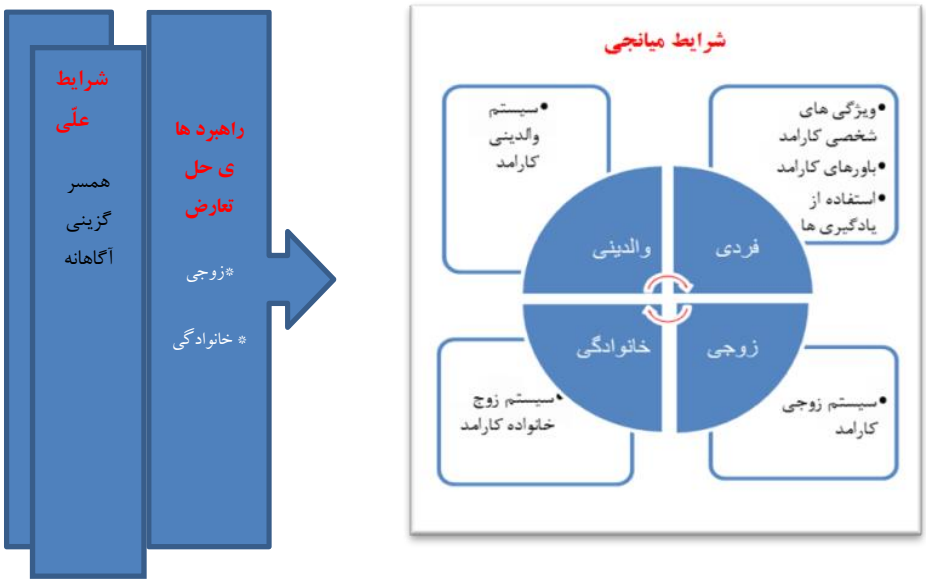

شکل۱. مدل پارادایمی ازدواج رضایتمند: حرکت در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کدهای باز	کدهای انتخابی	کدمحوری
جذابیت اولیه(داشتن جذابیت ظاهری، داشتن جذابیت شخصیتی)، هم مسیر بودن(داشتن عقاید، اهداف، علایق، تفریحات، ارزش‌های هم سو، تناسب خانواده‌ها)، شناخت کافی پیش از ازدواج(داشتن شناخت کافی پیش از ازدواج، شفاف‌سازی در مورد خود و خانواده پیش از ازدواج،گذراندن دوره آشنایی پیش از ازدواج، صداقت در معرفی خود)	همسرگزینی متناسب مبتنی بر شناخت	حرکتی در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه
صداقت، انعطاف‌پذیری، دلسوز بودن و مهربانی، مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن	ویژگی‌های شخصی کارآمد	
هیچ انسانی کامل نیست، حفظ و ارتقاء رابطه بسیار مهم است، عقاید خود را نباید به همسر تحمیل کرد	باورهای کارآمد	
الگو گیری از والدین، انجام ندادن کارهای اشتباه اطرافیان، یادگیری از اشتباهات خود و تکرار نکردن آن‌ها	یادگیری از تجارب	
حفظ شادابی رابطه(تفریح رفتن باهم، شوخی، بازی باهم) رشد خود و همسر(تشویق همسر به رشد، تلاش برای رشد خود(تحصیلات، مطالعه)، استقبال از رشد همسر) مدیریت مالی(تلاش برای تأمین مالی خانواده، قناعت مالی، توقعات مالی مبتنی بر توانایی همسر) تصمیم‌گیری کارآمد(تصمیم‌گیری منطقی و مشترک، واگذاری نقش مؤثرتر در تصمیم‌گیری به فرد اصلح) اجرای کارآمد نقش‌ها(انعطاف‌پذیری در نقش، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقش‌ها) تلاش هدفمند برای بهبود رابطه(تغییر خود برای بهبود رابطه، بازخورد مثبت به هم، تلاش برای تأمین خواسته‌های همسر، تلاش برای خوشحال کردن همسر، قدردانی) تقابل مثبت(جبران محبت همسر) عشق‌ورزی(دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، مراقبت از عشق(اولویت دادن به عشق، احیاء عشق)، صمیمت، دوستی باهم، رابطه جنسی رضایت‌بخش) ارتباط مؤثر(گفتگوی لذت‌بخش، همدلی، سرزنش و تحقیر نکردن، گفتگوی منطقی، بیان انتظارات و ناراحتی‌ها از هم، گوش دادن به یکدیگر) اطمینان بخشی(وفاداری، اعتمادسازی، اعتماد به یکدیگر) درک متقابل (احساس درک شدن، سعی در درک همسر،)	سیستم زوجی کارآمد	
حریم سازی (ابراز نکردن مشکلات به بیرون)، احترام به والدین(حفظ حرمت والدین)، حمایت خانواده‌ها از زوجین(حمایت مالی، حمایت عاطفی، حمایت در کارهای منزل و نگهداری فرزندان)، حمایت زوجین از خانواده‌ها(حمایت مالی، حمایت عاطفی)	سیستم زوج-خانواده کارآمد	
فرزند منجر به بهبود رابطه(فرزند منجر به افزایش احساس مسئولیت، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده‌ها، کاهش دعوا ، هدفمند شدن زندگی)	سیستم والدینی کارآمد	
تنظیم فاصله(نرفتن به مکان‌های تنش‌زا، درگیر زندگی گذشته همسر نشدن، قطع رابطه با افرادی که سیستم زوجی را به خطر می‌اندازند)، جبران(تائید اشتباه،عذرخواهی، جبران خطا)، تسکین بخشی(امیدوار کردن همسر، آرام کردن همسر، استفاده از شوخی، توجه به ویژگی‌های مثبت همسر)، سازگاری و انطباق(پذیرش نواقص و تفاوت‌ها، بزرگ نکردن مسائل، کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها)، استفاده از منابع حمایتی(کمک خواهی از خدا و متخصص، مطالعه منابع مفید(کتاب، اینترنت))	راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجی	
برخورد منطقی و بدون سوگیری با خطاهای خانواده خود، پذیرش نواقص خانواده همسر، حمایت از همسر در مقابل خانواده، حفظ فاصله متناسب با شرایط	راهبردهای مؤثر حل تعارض زوجین با خانواده	
رضایت از همسر، فرزند، خود	رضایت از زندگی	

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بحث و نتیجه‌گیری

مقوله مرکزی که در تحقیقاتی با رویکرد نظریه داده بنیاد محوری‌ترین مقوله است، در این تحقیق حرکت به‌سوی حفظ و ارزنده سازی رابطه بود. این انتخاب به‌این‌علت است که تمام مفاهیم استخراج‌شده به نحوی به ارزنده سازی رابطه کمک نمودند. لازم به ذکر است که حفظ و ارزنده سازی رابطه که پیامد اصلی آن رضایتمندی است، با انتخاب و اقدام سازنده و فعالانه میسر بوده و به‌خودی‌خود اتفاق نمی‌افتد.

انتخاب همسری که متناسب با ویژگی‌های فردی و خانوادگی فرد باشد مهم‌ترین شرایط رسیدن به رضایت در ازدواج ارزیابی شد. البته این انتخاب مستلزم شناخت کافی از یکدیگر و خانواده‌ها پیش از ازدواج است. از بین زوجین شرکت‌کننده در این تحقیق آن‌هایی که به‌صورت سنتی ازدواج‌کرده بودند اغلب از طریق خویشاوندی، یا شناخت یکدیگر به علت نزدیکی جغرافیایی به شناخت کافی رسیده و زوجین دیگر از طریق آشنایی با یکدیگر در کلاس، محیط کار و گذراندن زمانی برای شناخت هم به این هدف رسیدند. این شناخت به علت صداقت در معرفی خود تکمیل شد و منجر به انتخاب همسری شد که درزمینهٔ های ارزش‌ها، علایق، اهداف، تفریحات و عقاید همسو هستند و طبیعتاً مسیر زندگی زوجی از همان ابتدا با تعارضات کمتری روبرو می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش باقیانی مقدم، مسعودی بروجنی، میرزایی علوی جه و شهبازی(1390) نشان داد که دغدغه اصلی زوجین انتخاب همسری است که ازلحاظ اخلاقی موردقبول و بتواند روحیاتی همسو و مطابق با روحیات ایشان داشته باشد. دونگ لی(2008) به نقش ارزش‌های همسو در رضایت زناشویی اشاره کرده است.

همچنین در تحقیق حاضر، زوجین جذابیت اولیه برای یکدیگر ازنظر شخصیتی و ظاهری داشتند. انتخاب متناسب مبتنی بر شناخت به‌این‌علت که سنگ بنای ارتباط رضایتمند بود از اهمیت بالایی برخوردار است و ازاین‌رو به‌عنوان شرایط علّی انتخاب شد.

البته شرایط علّی به‌عنوان سنگ بنای مدل ازدواج رضایتمند ایرانی به‌تنهایی کافی نبوده و شرایط دیگری نیز باید فراهم شود تا ادامه مسیر با موفقیت همراه باشد. که به‌منظور سهولت ادراک و نظم در داده‌ها ، اطلاعات به‌دست‌آمده از تجارب زوجین رضایتمند را در چهار سطح فردی، زوجی و خانوادگی و والدینی موردبررسی قراردادیم . همان‌طور که در مدل پارادایمی نیز نشان داده‌شده، این عوامل با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و جدا از هم نیستند . به‌عنوان‌مثال ویژگی صداقت در افراد در مرحله آشنایی منجر به شناخت قوی‌تر و در مراحل بعدی با ویژگی‌هایی مثل وفاداری و اعتمادسازی ارتباط دارد.

در سطح فردی ویژگی‌های شخصیتی، باورهای کارآمد و یادگیری از تجارب گذشته دررسیدن به رضایت از ازدواج مؤثر بودند. زوجین رضایتمند ویژگی‌های شخصیتی ازجمله صداقت، منطقی بودن، مهربانی و دلسوزی، انعطاف‌پذیری،مسئولیت‌پذیری را در رضایت از زندگی مهم می‌دانستند. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که مقیاس مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری و توافق پذیری(که یکی از خرده مقیاس‌های آن دلسوزی است) در آزمون نئو رابطه مثبت معناداری با رضایت از رابطه دارند(شاهمرادی، فاتحی زاده و احمدی، 1390؛ حسینی نسب و همکاران،1388).

در سطح فردی باورهای کارآمد نیز با رضایت از رابطه مرتبط بود. این باورها عبارت بودند از: هیچ انسانی کامل نیست ، حفظ و ارتقاء رابطه بسیار مهم است، عقاید خود را نباید به همسر تحمیل کرد. شهرستانی، دوستکام، رهباردار و مشهدی(۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که هر چه باورهای ارتباطی ناکارآمد کمتر باشد، پیش‌بینی رضایتمندی در رابطه زوجی بیشتر خواهد بود. همچنین منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی زاده و حسن پور(۱۳۹۰) به نقش باورها و نگرش‌های کارآمد در رضایت از زندگی اشاره نمودند. که در این تحقیق این باورها به‌صورت کیفی و از طریق تجربه خود زوجین بازگو شدند. آخرین مؤلفه سطح فردی استفاده از تجارب گذشته است. زوجین رضایتمند بیان نمودند که تجارب گذشته والدین و اطرافیانشان را به نحو مؤثری در زندگی خود به کار بسته‌اند.

در سطح زوجی این زوجین سیستم زوجی کارآمدی داشتند. منظور از کارآمد این است که سیستم زوجی توانسته است وظایف خود را در ابعاد شادابی رابطه، رشد خود و همسر، مدیریت مالی، تصمیم‌گیری کارآمد، ایفای نقش کارآمد، تلاش هدفمند در بهبود رابطه، تقابل مثبت، عشق‌ورزی، ارتباط مؤثر، اطمینان در رابطه و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

درک متقابل به‌درستی انجام دهد. این یافته‌ها با تحقیقات دیگر همسو هستند که به نقش وفاداری (محسن زاده، مرادی کوچی و خدادی سنگده،1393) ، تصمیم‌گیری اشتراکی و مدیریت مالی و ایفای نقش صحیح (اعتمادی و همکاران ،1392) ، همراهی و مصاحبت و عشق و تعلق‌خاطر(باچاند و کارون، 2001؛ بروکس، 2006) ،ابراز عشق و محبت (دونگ لی،2008) ، تعهد و وفاداری(شریسا،2014)، صمیمیت(گاتمن و سیلور،1999)، شوخ‌طبعی(دیکسون،2013) که یک عامل شادابی افزا در رابطه است در افزایش رضایت از زندگی اشاره نمودند.

در سطح خانوادگی یعنی تعاملات بین زوج‌ها و خانواده‌ها نیز عواملی چون حریم سازی ، احترام به والدین و حمایت خانواده‌ها و زوجین از یکدیگر نقش مهمی داشتند. یافته‌ای این بخش بیشترین تفاوت را با تحقیقات انجام‌گرفته در جوامع فردگرا مانند اروپای غربی و امریکای شمالی دارد. که با توجه به بافت جمع‌گرایی در ایران قابل تبیین است. می‌توان چنین گفت که هر جامعه‌ای با توجه فرهنگ خود جامعه و تعریفی که از خانواده دارد باید مؤلفه‌های درمانی و آموزشی را طراحی کند . در ازدواج ایرانی خانواده چه از بعد حمایتی و چه از بعد تخریبی تأثیرگذار است. معدود پژوهش‌هایی که به حریم سازی و حفظ مرزهای مناسب با خویشان به‌عنوان عامل‌های مؤثر در پایداری و رضایتمندی ازدواج‌ها اشاره‌کرده‌اند یا در فرهنگ شرقی انجام‌گرفته یا بر روی شرقی‌هایی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند انجام‌شده است. به‌عنوان‌مثال کولاموسی (2013) به بررسی آنچه ازدواج زنان ایرانی مهاجر در آمریکا را موفق می‌سازد پرداخته و به مؤلفه‌هایی همچون حفظ مرزهای مناسب با خویشان سببی و احترام به خانواده‌های مبدأ به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم یادکرده است که عاملی متمایز از آن چیزی است که در ازدواج‌های غربی تأثیرگذار است. با این اوصاف می‌توان گفت که در ازدواج موفق ایرانی خانواده از زوجین به‌خصوص در بعد مالی و عاطفی، انجام نقش‌ها حمایت می‌کند اما با حفظ حریم زوجی و تا جایی که منظومه زوجی به خطر نیافتد. از طرفی زوجین هم تا حدی که به منظومه زوجی لطمه‌ای وارد نگردد از خانواده‌ها حمایت می‌کنند. تحقیقات انجام‌گرفته در جوامع جمع‌گرای دیگر از قبیل مسلمانان آمریکا نشانگر این موضوع است که این افراد علی‌رغم زندگی در جامعه فردگرای امریکا کماکان در ازدواج خود از خانواده‌ها تأثیر می‌پذیرند(دانش پور، 2012؛ کیلاوی[1] و همکاران، 2013). دیگر جوامع جمع‌گرا مانند کره و ژاپن(آها[2]، 1998) نیز به تعاملات گسترده زوجین با خانواده‌ها بعد از ازدواج و نقش آن‌ها در زندگی زوجین اشاره دارند. برخی از تحقیقات در ایران نیز با بررسی عوامل مؤثر در عدم رضایت از زندگی، یکی از دلایل نارضایتی را دخالت خانواده‌ها دانسته‌اند(محسن زاده، نظری و عارفی، مختار،1390). در کل می‌توان نتیجه گرفت که خانواده‌های اصلی و کیفیت پیوند بین زوجین با خانواده‌های اصلی و خویشاوندان نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد کلی زندگی زوجین دارد. به این صورت که اگر ارتباط و تعامل میان زوجین و خانواده‌های اصلی منجر به آسیب به منظومه زوجی نگردد و زوجین با اولویت دادن منظومه زوجی خود بتوانند علی‌رغم استفاده از منابع حمایتی خانواده‌های اصلی، حریم سازی مناسبی با خانواده‌ها داشته باشند رضایتمندی بالاتری را در ازدواج تجربه خواهند کرد. درصورتی‌که این یافته در پژوهش‌های غربی در رابطه با ازدواج‌های موفق یافت نشد. یعنی ارتباط با خانواده‌های اصلی در فرهنگ‌های فردگرا جزء عوامل اصلی مرتبط با رضایتمندی قلمداد نمی‌شود.

در سطح والدینی فرزند بسیار نقش مهمی دارد . زوجین رضایتمند فرزند را عامل افزایش رضایت در رابطه خود می‌دانستند و فکر می‌کردند که فرزند منجر به افزایش احساس مسئولیت، حلاوت زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده‌ها، کاهش دعوا و هدفمند شدن زندگی‌شان می‌شود. تحقیقات انجام‌شده در ایران روی ازدواج‌های موفق و رضایتمند نشان‌دهنده تأثیر مثبت فرزند روی رضایت از رابطه‌اند(حاتمی و همکاران،1394؛ محسن زاده، مرادی کوچی و خدادی سنگده، 1393) که همسو با یافته‌های این تحقیق است . گاهی عوامل ذکرشده در رابطه زوجی و یا رابطه میان زوجین و خانواده‌ها به‌گونه‌ای که ذکر شد برآورد نمی‌شود. در این مواقع استفاده از راهبردهای مؤثر راهگشاست. راهبردهای حل تعارض به دو دسته راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده‌ها تقسیم شد. علت این

[1] Killawi, A.
[2] Ahha, I.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تقسیم‌بندی تأکید بر اهمیت بخشی از تعارضات است که اغلب زوجین با خانواده همسر خود دارند و مختص فرهنگ‌های جمع‌گراست و نیازمند توجه درون بافتی به این مفهوم است. زوجین از راهبردهای تنظیم فاصله، جبران، تسکین بخشی، سازگاری و انطباق و منابع حمایتی به‌منظور حل تعارضات بین یکدیگر استفاده می‌کنند.اما زمانی که تعارض مربوط به خانواده‌های مبدأ است از راهبردهای برخورد منطقی و بدون سوگیری زوجین با خطاهای خانواده خود، پذیرش نواقص خانواده همسر و حمایت از همسر در مقابل خانواده خود. استفاده نمودند. تحقیقات دیگر اغلب روی حل تعارض میان خود زوجین تأکید کردند و تعارضات مربوط به خانواده مبدأ یافت نشد. این موضوع بیانگر تفاوت فرهنگی میان جامعه ایران و به‌طورکلی، کل جوامع جمع‌گرا با جوامع فردگرا است که به علت ارتباط با خانواده‌های مبدأ می‌تواند هم منبع حمایتی در رابطه زوجین تلقی شود و هم اینکه به‌عنوان عامل تعارض و تنش باشد. در مطالعه‌ای که استفورد و کانری(1991) برای مشخص کردن راهبردهایی که افراد برای حفظ رابطه‌شان بکار می‌گیرند انجام دادند، پنج راهبرد : مثبت‌گرایی(اتخاذ رویکردی مثبت به رابطه مثل ابراز خوشحالی و امید، و حمایت از یکدیگر و نیز به حداقل رساندن تعابیر منفی و خصم آلود)، گشودگی (گفتگوی مستقیم در مورد رابطه)، اطمینان و دلگرمی دادن (تأکید بر پذیرش، عشق، و تعهد به همسر)، و شبکه‌های اجتماعی(استفاده از خانواده، دوستان و دیگر اعضای شبکه‌های اجتماعی برای تثبیت رابطه) ، و تقسیم وظایف (تأکید بر انجام وظایف و رضایت فرد از مسؤولیت‌هایی که بر عهده اوست) مشخص شد. استفورد، دینتون و هاس(2000) دو راهبرد دیگر ارائه نمودند که نصیحت (نصیحت کردن و شنیدن)و مدیریت تعارض (ساختار دادن به ارتباط و تعامل) را دربرمی گرفت. این راهبردها، فعالیت‌هایی هستند که افراد هشیارانه به عهده می‌گیرند تا رابطه‌شان را باهم حفظ کنند. نتایج مطالعات متعدد مؤید این نکته است که زوج‌هایی که از این راهبردها به‌خوبی استفاده می‌کنند تعهد، رضایتمندی و شادکامی از رابطه، دوست داشتن، و رضایتمندی از رابطه جنسی بالاتری را تجربه خواهند کرد(رامیرز، 2008 ؛ بالاردیچ و ویگل و زاگیودولین، 1999؛ استفورد و کانری، 1991 ؛ دینتون، استفورد و کانری، 1994 ؛ و جانسون، 2009؛ به نقل از مؤمنی؛ صیدی و رضایی1393).

درنهایت می‌توان گفت که نتیجه یک انتخاب صحیح و رفتارهایی که در جهت حفظ و ارزنده سازی رابطه است رضایت از زندگی است که شامل رضایت از خود،همسر، فرزندان و رابطه است.

رضایت از رابطه و ازدواج تحت تأثیر بافت فرهنگی جامعه است. عوامل اثرگذار در رضایت زوجی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است(هانلر و گنکوز[1]، 2005). ارزش‌ها و باورهای فرهنگی علاوه بر اینکه دیدگاه افراد را نسبت به خودشان شکل می‌دهد(مارکوس و کیتایاما[2]، 1991)، دیدگاه افراد را نسبت به صمیمیت و عشق و یک رابطه خوب نیز شکل می‌دهد(دیان و دیان[3]، 1993). پس تحقیقات برای اینکه اثربخشی خود را نشان دهند باید در بافت فرهنگی-اجتماعی هر جامعه‌ای انجام شوند.

منابع

Ahha, I. (1998). Culture and communication: styles of handling interpersonal conflicts in the Koreans and Americans. Unpublished doctoral dissertation of the University of Minnesota.

Bachand, L. & Caron, S. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. Contemporary Family Therapy, 23(1).

Barikani, A; Mohamad Ebrahim, S. and Navid, M. (2012). The Cause of Divorce among Men and Women Referred to Marriage and Legal Office in Qazvin, Iran. Global Journal of Health Science; 4(5).

Brooks, P.(2006). A qualitative study of factors that contribute to satisfaction and resiliency in long-term African American marriages. Unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, our lady of the lake university.

Cheung, M. (2005). A cross-cultural comparison of gender factors contributing to long-term marital satisfaction: A narrative analysis. Journal of Couple and Relationship Therapy, 4(1).

Colamussi, A. L. (2013). Iranian Women in Marriage: An Exploratory Study. Doctoral dissertation in Couple and Family Therapy. Alliant International University.

[1] Hunler, O. S., & Gencoz, T.
[2] Markus, H. R., & Kitayama, S.
[3] Dion, K. K., & Dion, K. L.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

characteristics, interpersonal conflict resolution styles with marital adjustment of married students of Islamic azad University of Tabriz. Educational Administration Research Quarterly, 2(1).57-78 [Persian].

Hunler, O. S., & Gencoz, T. (2005). “The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction relationship”. Contemporary Family Therapy, 27(1), 123-136.

Killawi, A., Daneshpour, M., Elmi, A. Dadras, I., Hamid, H. (2014). Recommendations for Promoting Healthy Marriages & Preventing Divorce in the American Muslim Community. Report published in Institute for Social Policy and Understanding.

Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of martial satisfaction. Review of General Psychology, 15(3), 246-234.

Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation, Psychological Review, 98(2), 224-253.

McGoldrick, M., Joe, G. and Nydia, G-P. (2005)Ethnicity and family therapy. Guilford Press.

Mansoori Nia, A., Etemadi, O., Fatehi zadeh, M., Hassan pour, A. (2011). Effect of Premarital education on marital satisfaction of couples of Isfahan city. New findings in psychology Journal, 65-76. [Persian].

Mohsen Zadeh, F., Nazari, A. M., Arefi, M. (2011). Qualitative study of factors of dissatisfied couples (case study of Kermanshah city). Women’s Strategic Studies. 14(53), 7-42. [Persian].

Mohsen Zadeh, F. Moradi Kuchi, S., Khodadi Sangde, J. (2014). Women’s strategic studies. 65(30), 7-36. [Persian].

Momeni, K.H., Seid, M., S., Rezayee, K.H. (2014). The role of leisure patterns on marital stability with the mediating of relationship maintenance strategies and marital happiness. Counseling and psychotherapy quarterly. 4(2), 12-25. [Persian]

Nasiri Dehsorkhi, R. Musavi, S.F., (2015). Correlational study of sexual satisfactions and marital satisfactions among married women of Esfahan city. Rooyesh of psychology quarterly. 4(2), 135-152. [Persian].

Qaderzadeh, O., Qaderzadeh, H.Hasan Panah, H. (2012). Predictive factors of tendency of couples to divorce in border areas. Journal of Family

Coontz, S. (2005). Marriage a History: How Love Conquered Marriage. New York: Penguin

Daneshpour, M. (1998). Muslim families and family therapy. Journal of marital and family therapy. **24**, 355–368.

Daneshpour, M. (2012). Family Systems Therapy and Postmodern Approaches. In Ahmed, S. and Amer. M. M. (Eds.). Handbook of Counseling with Muslim (119-135). Taylor & Francis Group. Florida.

Dion, K. K., & Dion, K. L. (1993) .Individualistic and Collectivistic Perspectives on Gender and the Cultural Context of Love and Intimacy, Journal of social issues, **49**(**3**), 53–69

Dixon, D. C. (2013).Christan spirituality and marital health: a phenomenological study of long-term marriages. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.

Dung Le, T. M. (2008). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.

Edathumparambil, B.(2014). Strangers to spouses: a study of the relationship quality in arranged marriages in India. A Doctoral Dissertation in Family and Community Medicine. Saint Louis University.

Fricker, J. (2006). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Love styles, and the Investment Model. Doctoral dissertation. Swinburne University of Technology.

Gottman, J. M. & Silver, N. (1999). The seven principles for making marriage work. New York, NY: Three Rivers Press.

Greeff, A. P., & Malherbe, H. L. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouses. Journal of Sex & Marital Therapy, 27, 247-257.

Hatami Varzaneh, A. (2015). Designing a satisfied long-term marriage model and examining effectiveness of intervention program based upon it. Doctoral Dissertation of Allameh Tabataba’I University, Tehran, Iran. [Persian]

Hopkins-Williams, Katrina D. (2007). “Yes, they’re out there”: a qualitative study on strong African American marriages. Unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Louisiana State University.

Hoseini nasab, S.D. Badri GarGari, R., Ghaemian Oskui, A.(2009). The relationship of Personality

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Counseling & Psychotherapy. Special issues of family and divorce. 1, 24-37. [Persian]

Rogoff, L. (2013). The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.

Rosen-Grandon, J. R, Myers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. Journal of Counseling and Development, 82(1), 58.

Sakayama, M. (2003). Six Elements as They Relate to Marital Satisfaction: Conflict. Household Tasks, Companionship, Trust, Understanding, and Feeling of Being Understood. M.A. Dissertation in Communication, Department of Communication and Journalism. University of Wyoming.

Sedaghat, K., asadian, A. (2014). Sociological examining of the causes of divorce (A case study of Qaemshahr city). Journal of Applied Sociology, 25(2), 97-116. [Persian].

Shirisia, L.(2014). Strong Marriages in the African American Community: How Religion Contributes to a Healthier Marriage. M.A. Dissertation in Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.

Shahmoradi, S., Fatehi zadeh, M., Ahmadi,A.(2011). Prediction of marital conflict through the personality, psychological and demographic characteristics of spouses. Journal of knowledge and research in applied psychology. 12 (43), 33-44.[Persian].

Shahrestani, M. Dustkam, M. Rahbardar, H., Mashhadi, A. (2012). Predicting marital satisfaction from relationship beliefs and marital intimacy. Journal of Woman and culture. 4(14), 19-41. [Persian].

Silverman, D. (2005, September). Instances or sequences? Improving the state of the art of qualitative research. In Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research, 6 (3), 25-39.

Stafford, L., Dainton, M., & Haas, S. (2000). Measuring routine and strategic relational maintenance: Scale revision, sex versus gender roles, and the prediction of relational characteristics. Communication Monographs, 67, 45-69.

Strauss, A. and Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage Publications.

Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially. New York: Doubleday.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]